**ابوالاعلی مودودی از زبان خودش**

نویسنده : ابوالاعلی مودودی / تدوین و ترجمه: نذیر احمد سلامی

من دیدگاه معترضان را نمی پذیرم و صرفا« به خاطر حفظ شخصیت هیچ گونه مداهنتی را به خود اجازه نمی دهم. اگر دلیل معقولی ثابت کند که فلان عمل یا سخن قطعا» غلط بوده است، برای پذیرفتن اشتباه هرگز درنگ نخواهم کرد.

لازم نیست که هر کسی هر سخن مرا بپذیرد.

من مدعی نیستم که فلان سخن من حرف آخر است، اگر در نوشته های من مطلبی به لحاظ علمی غلط باشد و غلط بودنش با دلائل و شواهد علمی ثابت شود، برای اصلاح آن آمادگی دارم. منظورم این است، آنچه از دست رفته است، برای بازیافت آن چاره­ای اندیشیده شود و فکر بازیافت گم شده زمانی تحقق می یابد که شخص بداند چه چیز را از دست داده و ارزش آن چقدر بوده است.

من خودم می اندیشم و دوست دارم هر کس از میان ما بیندیشد که ما چرا از رحمت های خداوند محروم شده­ایم؟

من تشنه­ی علم هستم، این تشنگی را غیر از خداوند، کسی دیگری نمی تواند سیراب کند. هزاران نقص و کوتاهی در عقل و فهم من وجود دارد، علاج آنها فقط و فقط در دست خداوند است. دل من بی قرار و روح من مضطرب است. دماغ من آرامش ندارد، تنها خداوند قادر به مداوای و معالجه­ی این بیماری است. گناهان، مرا احاطه کرده اند، صدها کوتاهی و خامی در اعمال من وجود دارد. ضعف و ناتوانی های جبلّی من، مانع از تبعیت از مرضیات خداوند هستند، جز خداوند کسی نیست که این عیوب مرا اصلاح کند و توفیق اعمال نیکو بخشد. من از او طالب اخلاص هستم از او سلامت فکر و درستی اندیشه را مسئلت دارم**. توفیق حب فی**الله **و بعض فی الله** را از او می خواهم. من از او می خواهم مرا از بندگانش بی نیاز و نیازمند خودش گرداند. می خواهم که پیوند محبت و خوف مرا از دیگران ببرد و با خودش گره زند و به من چنان قدرت و توفیق عنایت کند که بتوانم در خدمت به اسلام و مسلمین دین خودم را ادا کرده باشم.

پدر گرامی­ام به بهترین وجه مرا تربیت و پرورش داده بود. او با زبان بسیار شیوا و باعفت با اشراف دهلی سخن می گفت. او از همان کودکی من مراقب بود که زبان و لهجه من خراب نشود.

من شخصا «دوست دارم که انسان یا گروهی از مردم صرفا» به منظور بهتر شدن جامعه جان بدهند. زندانی شوند و مشکلات سختی را تحمل کنند اما نمی پسندم که کسی برای رسیدن به اهداف عالی عزت نفسش را از دست بدهد پرستیزش را از بین برد یا از فطرت و روحش محروم بماند.

فرزندان هم نعمت خداوند و هم امانت او هستند در ازای نعمت باید سپاس گفت و مسؤلیت نعمت را باید شناخت.

فرزندانم را به خاطر عیش پرورش نمی کنم؛ بلکه به خاطر خدمت و خیر قیام علیه شر پرورش می کنم.

کسانی که توجه به صداقت و دیانت ندارند و می دانم که از خوف خدا عاری هستند، هرگز به ایرادات آنها پاسخ نمی دهم. من بر این باورم که انتقام گرفتن از این گونه انسانها در توان من نیست؛ خداوند می تواند از آنها انتقام بگیرد.

من از خشم و حسد دیگران هراسی ندارم، من نه پاسخ دشنام های آنها را می دهم و نه از روش خود دست بر می دارم.

بسیار بد و ناسزا در زندگی من گفته شده است اما الحمدلله و المنه که هرگز بد و ناسزا نگفته ام. من به طور قطع به این نتیجه رسیده ام که خداوند، «دروغ» را هرگز «فروغ» نمی بخشد.

 از دیدگاه من اگر فیلمی از لحاظ اخلاقی و اسلامی صحیح باشد، فیلمی آموزشی است.

من زندگی سیاسی را اختیار ننموده­ام. آنان که در زندگی من هدفی دارند، هدفشان اقتضا می کند که در تمام مسائلی که نفیا یا اثباتا با هدف آنان ارتباط دارند بدان دلبستگی داشته باشند. شکایت از قدرت و غلبه و غفلت از ضعف و ناتوانی خود و فراهم نمودن جواز و استحسان برای انها دلیل بی خردی است.

من ترجیح می دهم که به جای دشمن محبوب، دوست مبغوض باشم.

این مردم از من می خواهند که من از حکومت تقاضای عفو کنم، نوک کفش من برای چنین اقدام ذلت آمیزی رضایت ندارد.

در این تک سلول مخصوص اعدام شما به چیزی نیاز دارید؟ آری! جائی برای گذاشتن عینک و چند تا خلال دندان مورد نیاز "من" است.

معامله کسانی را که تهمت­های دروغین به من می زنند به خداوند موکول نموده­ام، لذا تمام نوشته های آنان را می خوانم و با سپردن آنها به دیوان عدل الهی، به کارهایم ادامه می دهم.

ساختار ذهنی و فکری من برای تملّق و قصیده گویی آفریده نشده است، اما از طرفی دیگر این عادت را نیز ندارم که خواه و ناخواه از دیگران عیب جویی کنم. درتلاش و جستجوی هوداران هستم، اما بسیار اندک­اند. در جمع ده­ها میلیون انسان خود را بیگانه می بینم. به جنونی که مبتلا هستم و چنین مجنونی را نمی بینم. وقتی به کسانی که سال­ها افکار و اندیشه هایمرا به آنان انتقال داده ام نزدیک می شوم دور به نظر می رسند. شیوه ی من ناآشناست. گوش آنان از زبان من بیگانه، این دنیا دنیای دیگری است. دنیای من با این دنیا مأنوس نیست.

من در واقع یک تازه مسلمان هستم. باتأمل، دقت و کاوش بسیار زیاد، مؤمن با این مسلک شده ام، مسلکی که دل و مغز من درباره آن گواهی می دهند که راه نجات و بهبودی برای انسانها سوای آن وجود ندارد. من نه تنها غیر مسلمانان را؛ بلکه مسلمانان را نیز سوی اسلام دعوت می کنم.

تحریفی که در دین در حال انجام است، اگر من در برابر آن تسلیم شوم و خود را به شکل و قالبی که مردم در آن ببیننند در بیاورم، مرتکب گناهی شده ام که در دربار الهی به شدّت مورد سؤال قرار خواهم گرفت و در این پرونده کسی به داد من نخواهد رسید.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

منبع: اندیشه های اسلامی در سخنان امام ابوالاعلی مودودی / تدوین و ترجمه: نذیر احمد سلامی / انتشارات: نشر احسان / اول ۱۳۸۸